

پاسخ نظامی ایران به اسرائیل پس از پایان روز سه شنبه ۴۷؛ حماس خواستار خروج کامل نیروهای اسرائیلی از غزه است

اگر تهران تصمیم به انجام یک حمله "متناسب" با هدف "برقراری مجدد بازدارندگی" اش بگیرد، (تا به اسرائیل بفهماند که دیگر نباید چنین حمله‌ای را تکرار کند) ممکن است حملاتی موشکی را به یک سفارت خانه اسرائیل در نقطه‌ای از جهان انجام دهد.

به گزارش سایت خبری پرسون، فرد کاپلان در نشریه اسلیت نوشت: این هفته احتمالا حتی بر اساس استانداردهای منطقه متشنج خاورمیانه، مشخصا هفته‌ای پرتنش خواهد بود.

ایران وعده داده حملاتی را علیه منافع اسرائیل انجام خواهد داد که ممکن است موجب گسترش جنگ غزه شود و پای آمریکا را نیز به این منازعه بکشاند. در عین حال، مذاکرات آتش بس در غزه به نقطه‌ای رسیده که یکی از اعضای کابینه اسرائیل آن را "لحظه‌ای مناسب" توصیف کرده است.

در طی ۶ ماهی که از جنگ می‌گذرد کمتر زمانی بوده که تمام طرف‌ها از فعالان عرصه نبرد گرفته تا مذاکره کنندگان و میانجیگران و حتی ناظران مضطرب اینگونه تلاش می‌کنند در خط باریک میان یک صلح متعارف و یک جنگ رو به گسترش حرکت کنند.

مقام‌های ایرانی می‌گویند پس از ماه رمضان که سه شنبه به اتمام می‌رسد حمله‌ای به تلافی هدف قرار گرفتن ساختمان دیپلماتیک این کشور در سوریه انجام خواهند داد. اسرائیل برای آمادگی جهت مقابله با این حمله نیروهای خود را به حالت آماده باش درآورده است.

اسرائیل به دلایلی که هنوز مشخص نیست، بدون اطلاع دولت بایدن این حمله را انجام داده، با این حال واکنش تلافی جویانه ایران می‌تواند پای آمریکا را هم وسط بکشد. بایدن مدت کوتاهی پس از حمله ۷ اکتبر حماس و برای جلوگیری از چنین حملاتی دومین ناو هواپیمابر آمریکا را به دریای مدیترانه فرستاد.

اینکه سیر تحولات به چه سمتی حرکت خواهد کرد، تا حدودی بستگی به محاسبات طرف‌های ایرانی و اسرائیل و تا حد زیادی به شانس بستگی دارد.

اگر تهران تصمیم به انجام یک حمله "متناسب" با هدف "برقراری مجدد بازدارندگی" اش بگیرد، (تا به اسرائیل بفهماند که دیگر نباید چنین حمله‌ای را تکرار کند) ممکن است حملاتی موشکی را به یک سفارت خانه اسرائیل در نقطه‌ای از جهان انجام دهد.

اگر آن‌ها از معیار تناسب فراتر بروند و به هدفی در داخل خاک اسرائیل یا آمریکا حمله کنند، چنین اقدامی ممکن است نشان دهنده یکی از دو فرض زیر باشد: اینکه تهران تئوری بازدارندگی را به درستی درک نکرده یا اینکه آن‌ها خواستار ورود مستقیم به جنگ هستند.

چنین اقدامی در تضاد با خط مشی قبلی تهران خواهد بود. مقام‌های ایرانی هرگونه مداخله در حمله ۷ اکتبر حماس را رد کرده و حزب الله را نیز از تشدید بیشتر تنش با اسرائیل منع نموده اند.

اگر ایران گزینه محتاطانه تری را برای تلافی اقدام تل آویو انتخاب کند و مثلا موشک‌هایی را به برخی از سفارتخانه‌های اسرائیل شلیک کند، باز هم امکان تشدید تنش وجود خواهد داشت. اسرائیل تاکنون به صورت رسمی مسئولیت حمله به ساختمان کنسولی ایران در سوریه را بر عهده نگرفته است؛ بنابراین ممکن است اسرائیل احساس کند که باید به حمله تلافی جویانه ایران پاسخ بدهد و این مجدداً با حمله متقابل ایران مواجه خواهد شد.

در عین حال، بایدن ناوهای هواپیمابر خود را در دریای مدیترانه مستقر کرده تا در برابر حملات ایران به اسرائیل بازدارندگی ایجاد کند؛ بنابراین اگر اسرائیل مستقیماً هدف قرار بگیرد، بایدن ممکن است احساس کند که باید دستور واکنش نیروهای آمریکایی را صادر نماید. روز جمعه مقام‌های ایرانی به بایدن هشدار دادند که هیچ اقدامی در واکنش به حمله ایران به اسرائیل انجام ندهد.

اما آیا واشنگتن توجهی به این هشدار خواهد کرد؟ این تا حدودی بستگی به ماهیت و میزان شدت حمله ایران خواهد داشت، البته اگر حمله‌ای صورت بگیرد. اما این واقعیت که ایران به صورت علنی این هشدار را صادر کرده احتمال اینکه بایدن عقب ننشیند را افزایش می‌دهد. به دلایل ژئوپلیتیک و سیاست داخلی، بایدن نمی‌خواهد این برداشت را ایجاد نماید که به درخواست‌های تهران گردن می‌زند. آیا این واقعیت ایران را از انجام حمله باز خواهد داشت یا احتمال وقوع یک جنگ گسترده را بالاتر خواهد برد؟

تردید نیست که نخست وزیر اسرائیل و رئیس جمهور آمریکا و البته همه ما در وضعیت خطرناکی گرفتار شده ایم. اگر نتانیاهو قبل از حمله با متحد آمریکایی خود مشورت کرده بود، دولت بایدن قویا به تل آویو توصیه می‌کرد که چنین حمله‌ای را انجام ندهد. از این رو برخی حدس می‌زنند که اقدام نتانیاهو عمداً با هدف کشاندن پای واشنگتن به یک جنگ منطقه‌ای طراحی شده است.

همچنین در عین حال، از سایر تحولات منطقه‌ای می‌توان فهمید که دستیابی به یک توافق آتش بس بین اسرائیل و حماس، در میان سایر عوامل، ممکن است دلیل لازم برای عدم انجام حمله تلافی جویانه را به تهران بدهد.

طی روزهای اخیر اسرائیل کل نیروهای زمینی خود را از جنوب غزه خارج کرده و تنها یک گردان را در منطقه حفظ کرده است. دلیل این اقدام چندان مشخص نیست. توضیح رسمی این بوده که این نیروها قبل از شرکت در حمله به رفح نیاز به استراحت و تجدید قوا داشتند. اما برخی معتقدند نتانیاو و کابینه جنگی این رژیم تمایل چندانی نسبت به حمله به رفح ندارند. بایدن هم به آن‌ها هشدار داده که از انجام چنین حمله‌ای اجتناب کنند مگر آنکه برنامه مشخصی برای حفظ جان ۱.۲ میلیون شهروند مستقر در این منطقه داشته باشند که بسیاری از آن‌ها در زمان آغاز جنگ از شمال غزه به این منطقه گریخته اند. با توجه به مشکلات لجستیکی و شرایط جغرافیایی خاص منطقه به نظر نمی‌رسد که چنین برنامه‌ای وجود داشته باشد.

خروج بخشی از نظامیان اسرائیلی از غزه پس از آن صورت گرفته که اسرائیل تصمیم به گشایش ۳ کوریدور بشردوستانه در شمال غزه، ارسال هیئتی به غزه برای شرکت در دور جدیدی از مذاکرات آتش بس و تبادل گروگان‌های اسرائیلی با زندانیان فلسطینی گرفت. هر دوی این اقدامات در واکنش به فشارهای دولت بایدن صورت گرفته است.

حماس می‌گوید این اقدامات کافی نیستند. این گروه خواستار پایان دادن به جنگ، بازگشت تمام اهالی غزه به خانه هایشان و خروج کامل نیروهای اسرائیلی از غزه است. اما اسرائیلی‌ها مخالف این شروطند و معتقدند عمل به آن‌ها به معنای تسلیم تل آویو خواهد بود و غزه را تحت کنترل حماس باقی می‌گذارد.

به نظر می‌رسد که این اختلاف نظرها غیرقابل حل هستند. هرگونه توافقی ولو موقت نیازمند فشار خارجی بر حماس عمدتاً از جانب قطر است که یکی از تامین کنندگان اصلی این گروه و از میانجیان مذاکرات آتش بس به شمار می‌رود. مصر نیز می‌تواند با گشایش مرزهای خود به سمت جنوب غزه بخشی از مشکلات بشردوستانه این منطقه را کاهش دهد و از این طریق می‌تواند بر حماس فشار وارد نماید. سایر کشورها از جمله عربستان نیز باید پس از پایان جنگ هماهنگی‌های سیاسی و اقتصادی را برای بازسازی غزه به عمل بیاورند.

همه این اقدامات فراتر از اقدامات و گام‌هایی است که این کشورها در گذشته برای کمک به فلسطینیان یا بی ثبات سازی منطقه برداشته اند. چنین اقداماتی ممکن است از نظر فیزیکی، لجستیکی و سیاسی دشوار باشد. اما تعلل و بی عملی کشورها که منجر به بروز هرج و مرج در منطقه شود و یک جنگ منطقه‌ای گسترده با ایران را به بار بیاورد، اتفاقی است که این کشور هر کاری در توانشان باشد برای اجتناب از آن انجام خواهند داد.

انتخاب‌های دشوار، از سوی همه طرف‌ها این هفته آغاز می‌شود.